

تازی زُدایی

سده هاست که به ما آموختند که محمد تازی پیامبر و دیگر تازیان پیشوایان (امامان) ما می باشند اینگونه آموزش های بی پایه و مایه کار را به جانی رسانده است که نویسندگان و پژوهشگران ایرانی همواره در نوشته های خودشان واژه ها نی را که از خانواده آموزشگاه (مدرسه) دبستان دبیرستان و دانشگاه ها آموخته اند در نوشته های خودشان هم بکار ببرند واژه هانی از این شمار **حضرت محمد حضرت علی حضرت امام حسن رسول الله پیامبر آخر الزمان امامان معصوم** و... و .

از دیدگاه ی روانشناسی و روان شناختی کودک از آغاز چشم به جهان گشودن در پیرامون خود همواره اینگونه واژه ها را در هر گوشه ای می شنود و در روان و ساختار اندیشه ی کودکان آنچنان جایگاهی پیدا می کند که نه تنها این واژه ها برای کودکان پاکیزه (مقدس) می باشد بلکه این کسان (اشخاص) همواره برای کودکان و در آینده هم برای بزرگسالان چهره ی بیگناه (معصوم) و پاکیزه به خود می گیرند و تار بیخردنی که بدست خانواده ها و پیرامون زندگی تنیده شده است ما را در خود آنچنان فرا می گیرد تا بتوانیم که چشم باز بکنیم که اینان چه کسانی بودند و هستند که برای ما پاکیزه می باشند دو سوم از زندگی ما سپری شده است.

این بیماری تازی گرانی و تازی پرستی نه تنها روان ما را بیمار کرده است بلکه آموزش میهن پرستی را از ما ربوده است و کار را به جانی رسانده است که تازی گرای پیرو خمینی هندی بنی صدر میهن پرستی را به گوشه ای پرتاب می کند و نخست از اسلام تازی خود سخن می گوید که میهن ما ایران بایستی در شکم اسلام تازی اش جای بگیرد و از همین روی ست که خمینی هندی ملی گرانی را وارونه ی (خلاف) اسلام می دانست.

تازی پرستان و تازی گرایان بدین انگیزه هیچگاه نمی توانند میهن پرست راستین باشند میهن آنان آنجانی ست که اسلام تازی شان باشند (موجود) است آنان از مردم سالاری آزادی برابری برادری انسان ها بدون اسلام به گفته ی تازی پرست بی آرم مرتضی مطهری بیزارند و هم از این روی ست اگر از آنها بپرسید اگر بخواهید از دو واژه ی ایران و اسلام یکی را نخست برگزینید شما کدام واژه را نخست برمی گزینید؟ پاسخ آنان بسیار روشن و آسان می باشد آنان اسلام را نخست برمی گزینند بدین انگیزه ما می توانیم آنان را نه تنها تازی گرا بلکه تازی پرست بنامیم.

بر گردیم به آغاز نوشته ی خودمان که ما بایستی جنبش پایه ای و سراسری در درون و بیرون از میهن آغاز بکنیم واز بکار بردن واژه های پیامبر امام رسول قرآن کریم قرآن مجید و... خودداری ورزیم. محمد تازی را محمد بنامیم علی تازی را علی و مهدی تازی نا پیدا (غایب) را مهدی بنامیم. اگر ما بتوانیم خوی و سرشت زشت ۱۴۰۰ ساله ی تازی پرستی و تازی گرانی را آرام آرام و گام به گام با شکیبائی و با میهن پرستی از خود دور سازیم آنگاه به آسانی می توان اسلام تازیان را به همان جانی فرستاد که شایسته اش بوده و می باشد تازی آباد (عربستان). پیشینیان همواره گفتند که پیشگیری بهتر از درمان است پس از امروز آغاز کنیم که از گفتن و نوشتن واژه های تازی خودداری ورزیم نام های پارسی را برای کودکان خود برگزینیم با فرهنگ و به اندیشی (تمدن) ۹۰۰۰ ساله ی ایران زمین آشنا گردیم به همدیگر بیاموزیم که هیچ نسکی (کتابی) پاکیزه (مقدس) نمی باشد. اگر خواستیم سو گند بخوریم یا به شاهنامه ی پیروز پارسی (فردوسی) بزرگوار و یا به گاتها زرتشت فرزانه ویا به سروده های چکامه سربایان ایران زمین سوگند می خوریم.

این چیزها شاید پیش پا افتاده باشد و به نگر (نظر) آید اگر خوب بنگریم از کارهای کوچک است که کارهای بزرگ برمی خیزد فراموش نکنیم مردمی که فرهنگ و به اندیشی ۹۰۰۰ ساله ی شان را نشانند این مردم ناگزیرند هر آن دنیال خمینی ها راه بیافتند. پس گنداب اسلام آنگاه خواهد خشکید که ما نخست بیماری را بشناسیم و آنگاه به درمان آن پردازیم. بیماری تازی پرستی و تازی گرانی پدیده ی ۱۴۰۰ ساله است این بیماری را تنها با کارهای پی در پی فرهنگی می توان برای همیشه با یاری مردم ما و فرهیختگان ایران زمین نابود ساخت به گفته ی حافظ بزرگ

بلبل عاشق تو عمر خواه که آخر
باغ شود سبز و سرخ گل به برآید

درفش کاویانی



<http://derafsh-kaviyani.com/parsi/>

